



نفی «رانتیریسیم» در نهج البلاغه

حسن رحیمی (روشن)^{*}

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۶/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۲/۱۰

چکیده

رانت و رانت‌خواری را هر عقل سلیمی نکوهش می‌کند جامعه‌ای که در آن رانت‌خواری رواج یافته باشد نتایج نامطلوب اخلاقی، سیاسی و اجتماعی و در نهایت عقب‌ماندگی همه جانبه را در پی دارد. واژه «رانت» واژه‌ی جدیدی است، اما محتوا و مفهوم آن به هیچ وجه تازه نیست و به مفهوم دستیابی به درآمد بدون کار و تلاش و سوءاستفاده شخصی از موقعیت‌هایی است که به عموم جامعه مربوط است. این مقاله با توجه به غنی بودن دین اسلام قصد دارد نشان دهد چیزی که به‌عنوان یک آسیب سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در چهارچوب نظریه «رانتیریسیم» غربی عنوان شده است صدها سال قبل، امام اول شیعیان با دقت تمام به نفی آن پرداخته و مضرات آن را یاد آور شده است.

کلید واژه‌ها: نهج‌البلاغه، رانت و نفی رانت، رانتیریسیم، دولت رانتی

۱. استادیار گروه علوم سیاسی دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی دانشگاه بوعلی‌سینا

*: نویسنده مسئول

۱. مقدمه

یکی از آسیب‌های اساسی جوامع و حکومت‌های در حال توسعه «رانتی» بودن این دولت‌ها است. رانت از لحاظ مفهومی پدیده‌ای مدرن است؛ اما از لحاظ محتوایی عمری به درازی تاریخ بشر را پشت سر گذاشته است. رانت و «رانتیریسیم» هم در حوزه‌ی اجتماعی- یعنی روابط بین افراد جامعه رابطه‌ی بین فرمانروایان و فرمانبران- و نیز در سطح ملی و به‌عنوان صفت دولت ملی قابل مطالعه است؛ اما باید توجه داشت که در سایه یک دولت رانتی، ما با یک جامعه رانتی نیز مواجه خواهیم بود. امکان ندارد دولتی رانتی باشد؛ اما روابط اجتماعی و اقتصادی و سیاسی براساس رانت شکل نگیرد. این بحث از این جهت مهم است که عکس آن قطعی نیست یعنی این امکان که دولتی صفت رانتی را با توجه به شاخص‌های علمی نداشته باشد اما در جامعه رابطه رانتی موجود باشد وجود دارد. حتی ممکن است آن دولت خود، در ارتباط با مردم جامعه از عوامل اشاعه رانت باشد. از این‌رو در این مقاله نقطه تمرکز بر «دولت‌رانتی» نیست؛ زیرا همان‌گونه که ذکر شد مفهوم دولت رانتی چند قرن بیشتر سابقه ندارد و بحثی جدید است. نقطه تمرکز ما «رانت» در روابط اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در نهج‌البلاغه است که مبتلا به همه جوامع، فارغ از زمان و مکان می‌باشد؛ اما برای روشن شدن بحث نگاهی کوتاه به دولت رانتی نیز خواهیم داشت. اهمیت این بحث از آن جهت است که امروزه ایران اسلامی براساس قوانین اساسی و عادی و شکل حکومت، یکی از مذهبی‌ترین حکومت‌های تاریخ پس از غیبت است. از این‌رو کارآمدی و یا ناکارآمدی آن براصل اسلام اثر مستقیم دارد. نمونه‌ی آرمانی حکومت اسلامی حکومت امام علی(ع) است پس هر چه قدر این کپی به اصل نزدیک‌تر باشد درصد موفقیت و استمرار و الگو شدن آن افزایش می‌یابد و از آنجا که، یکی از راه‌های هر پیشرفتی آسیب‌شناسی می‌باشد از این‌رو قصد داریم از یک سو این نکته را که اسلام و سیره معصومین(ع) خیلی پیشتر از دنیای غرب برنامه‌های مهم و مدون را برای اداره‌ی جامعه عرضه کرده‌اند و از سوی دیگر هشدارها و اخطارهای امام علی(ع) را در زمینه استفاده دولت‌مردان از رانت و رانت‌خواری مرور کنیم؛ زیرا متأسفانه بحث رانت و ویژه‌خواری یکی مشکلات اساسی کشور در این مقطع زمانی است. در زمینه افکار و اندیشه‌های امام(ع) در نهج‌البلاغه مقالات و کتاب‌های فراوانی تحریر شده است؛ اما در مورد «رانتیریسیم» در نهج‌البلاغه مطلبی یافت نشد. بنابراین پرسش اصلی این است که نفی رانتیریسیم در بعد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حتی اطلاعاتی آن، چه جایگاهی در نهج‌البلاغه دارد برای پاسخ به این پرسش ابتدا مفهوم لغوی و اصطلاحی رانت و «رانتیر» را بررسی نموده سپس نگاهی کوتاه به شاخص‌های دولت رانتیر خواهیم داشت- که در این مقاله بحثی فرعی است- سپس وارد بحث رانت در حوزه‌ی اجتماع خواهیم شد و پس از روشن نمودن مصادیق، نفی ورد آنها را در کلام امام علی(ع) بازخوانی خواهیم نمود و سرانجام نتیجه‌گیری از کل مطالب در پی خواهد آمد.

۲. تاریخچه و مفهوم رانت

رانت در «لغت» به معنی بهره مالکانه است و برخی آن را به معنی کرایه و اجاره نیز به کار برده‌اند؛ اما در دانش سیاسی، مفهوم متفاوتی دارد. پیدایش مفهوم «رانت» به حدودد و قرن پیش، یعنی دوران «اقتصاد کلاسیک» باز می‌گردد. در آن زمان، رانت به منافی اطلاق می‌شد که در نتیجه به‌کارگیری زمین‌های نامرغوب (یعنی با زحمت و هزینه بیشتر) عاید مالکین زمین‌های مرغوب می‌شد (همدمی، ۱۳۸۳: ۳۶). از آن جاکه در یک اقتصاد رقابتی، یک کالا در بازار، در یک زمان خاص، فقط یک قیمت می‌تواند داشته باشد؛ محصول زمین‌های مرغوب، در حالی که قیمت تمام شده کمتری دارد و به همان قیمت تمام شده محصول زمین‌های نامرغوب فروخته می‌شود و صاحبان زمین‌های مرغوب بدون زحمت بیشتر، منافع بیشتری به‌دست می‌آورند که همان «رانت» می‌باشد (همدمی، ۱۳۸۳: ۳۷)؛ بنابراین «رانت» درآمدی است که بدون تلاش عاید می‌گردد و در برابر مفاهیمی چون «مزد» و «سود» به‌کار می‌رود که در نتیجه تلاش و فعالیت‌های اقتصادی حاصل می‌شوند. «دیوید پیرس» در فرهنگ لغت اقتصاد مدرن «رانت» را چنین تعریف می‌کند. رانت پرداختی است در ازای یک عامل تولید که از میزان لازم برای حفظ وضعیت کاربرد فعلی آن بیشتر است (Pearce, 1989: 37). از این‌رو، رانت درآمدی است که یک دولت، با فروش مواد خام زیرزمینی و یا دریافت کمک از بیگانگان، به‌دست می‌آورد. این فعالیت‌ها و درآمدها با فعالیت‌های تولیدی اقتصاد داخلی، ارتباطی ندارد. نمونه‌ی بارز درآمد رانتی، درآمدهای ناشی از فروش نفت، گاز، اورانیوم خام، آهن، مس و ... می‌باشد که البته تأکید بیشتر طراحان این نظریه به درآمدهای نفتی کشورهای خاورمیانه است. یعنی محدود کردن درآمدهای رانت گونه تنها به یک محصول (Beblawi, H, 1987: 41). علاوه بر اطلاق واژه «رانت» به دولت‌ها، با شرایط خاص، این واژه در موارد دیگری نیز به‌کار می‌رود؛ بنابراین گفته می‌شود، رانت فرایندی است که طی آن یک فرد، یا نهاد و گروهی، صاحب اطلاعات، فرصت‌ها و امتیازاتی می‌شود که دیگران از آن بهره‌ای ندارند و با تصاحب این فرصت‌ها به سرمایه‌های مالی و موقعیت‌های ممتاز سیاسی یا فرهنگی و اجتماعی دست می‌یابد، به‌عبارت دیگر هرگونه سود غیرمعارفی که بدون زحمت و تنها به‌دلیل برخورداری از وابستگی به مقامات سیاسی - که از آن طریق به اطلاعات پشت پرده اقتصادی دست یابد - و موقعیت و شرایط خاص به فرد با مجموعه‌ای از افراد تعلق می‌گیرد «رانت» نامیده می‌شود (همدمی، ۱۳۸۳: ۳۶). از این‌رو می‌توان در جامعه از انواع رانت نام برد مثل رانت اقتصادی رانت سیاسی، رانت اطلاعاتی و موارد دیگر.

۳. مفهوم دولت رانتی و شاخص‌های سیاسی و اقتصادی آن

واژه «دولت رانتیر»^۱ ابتدا در ادبیات اقتصاددانان اروپایی از جمله «آدام اسمیت»^۲ دیوید ریکاردو^۳ و کارل مارکس^۴ در قرن نوزدهم مطرح شد. اما با بروز شرایط جدید بین‌المللی، پس از جنگ جهانی دوم، تعدادی از دانشمندان علوم اجتماعی، در چهارچوب رهیافت اقتصاد سیاسی در باب چگونگی ایجاد ماهیت دولت‌های تک‌محصولی- به‌ویژه دولت‌های خاورمیانه- به بحث و بررسی پرداخته‌اند. کسانی چون فیلیپ راوکنیز^۵، دیوید پیرس^۶، حازم بیلای^۷ و جیاکو لوسیانی^۸ از کسانی هستند که در مورد دولت رانتی سخن گفته‌اند (ازغندی، ۱۳۸۷: ۴۰) با این توضیح در این قسمت به شاخصه‌های یک دولت رانتی در قالب دو بخش سیاسی و اقتصادی پرداخته می‌شود.

۳-۱. شاخصه‌های اقتصادی دولت رانتی

بدون‌شک یکی از وظایف دولت‌های امروزی وظیفه و عملکرد اقتصادی و در نهایت رشد و توسعه جامعه‌ای است که به آن حکومت می‌کنند. مباحث توسعه به معنی امروزی آن در دهه‌های ۶۰-۷۰ در قالب چگونگی توسعه و پیشرفت جهان غرب و عقب‌ماندگی جهان سوم شکل گرفت (قوام، ۱۳۷۲: ۱۱) در این مدت رهیافت‌های مختلفی جهت توسعه کشورهای عقب‌مانده طرح و اجرا شد. که عبارتند از مکتب «نوسازی» که خود به نظریه‌های «نوسازی کلاسیک» و نظریه‌های جدید نوسازی تقسیم می‌شود «مکتب وابستگی» از سوی کشورهای در حال توسعه و اندیشمندان وابسته به آن ارائه شده است و آن نیز به نظرات «کلاسیک وابستگی» و «نظریات جدید وابستگی» تقسیم می‌شود. در سال‌های اخیر «مکتب نظام جهانی» هم به رهیافت‌های فوق اضافه شده است و در واقع پاسخی است به عدم موفقیت دو رهیافت قبلی (آلوی، ی سو، ۱۳۷۸: ۱۶۸-۱). بنابراین بحث «دولت رانتی» به‌طور عمده پس از طرح این نظریات برای ورود کشورهای عقب‌مانده به روند توسعه و در نقد ساختار برخی دولت‌های جهان در حال توسعه مطرح شده است. دولت رانتی دولتی است که رانت بخش عمده‌ی درآمدهای آن را تشکیل می‌دهد اگر دولتی حداقل این ۴۲٪ از درآمدهایش از طریق رانت تأمین شود آن دولت رانتی دانسته می‌شود. اقتصاد رانتی هیچ‌گونه ارتباطی با فرایندهای تولیدی در اقتصاد داخلی کشور ندارد و عمدتاً با فروش مواد خام از خارج تأمین می‌شود. بنابراین، دولت رانتی دریافت‌کننده اصلی رانت خارجی است و در هزینه نمودن آن نیز نقش اساسی دارد (همدمی، ۱۳۸۳: ۵۳). کنترل درآمد و هزینه در دست دولت است. این درآمد، عظیم، باعث جدایی دولت از جامعه می‌شود. این استقلال به نوبه خود، قدرتی «انحصاری» را برای دولت، فراهم می‌آورد و به آن، امکان می‌دهد که در اتخاذ و اجرای سیاست‌های خود، مجبور به در

1. the rentier stat
2. Adamsmit
3. David Ricardo
4. Karel Marx
5. Philip Rawkins
6. David Pearce
7. hazm beblawi
8. Geacomni Lucani

نظرگرفتن منافع عمومی جامعه نباشد (همدمی، ۱۳۸۳: ۵۴). در حالی که اکثر دولت‌ها برای حفظ حیات خود و تأمین مخارج کشور مجبور به دریافت مالیات از جامعه می‌باشند. اما دولت رانتی قسمت اعظم درآمدهایش از رانت تأمین می‌شود و نیاز واقعی به مالیات مردم خود ندارد. از این‌رو، نیازی به پاسخگویی به جامعه ندارد. بنابراین قدرت دولت افزایش می‌یابد البته این قدرت فقط در برابر ملت است نه قدرت در برابر دیگر کشورها و صحنه بین‌المللی. دولت رانتی جهت رفاه مردم و جلب همکاری نخبگان و حفظ مشروعیت خود از درآمدهای رانت استفاده می‌کند. این حمایت‌ها می‌تواند به شکل انتصاب به سمت‌ها و مشاغل حساس و مهم باشد یا به شکل اعطای وام‌های بدون بهره یا کم‌بهره و سایر مزایا و امتیازات باشد (همان: ۵۷). از سوی دیگر هزینه نمودن درآمدهای عظیم رانتی نیاز به دیوانسالاری گسترده دارد از این جهت سیستم بروکراسی دولت رانتی روزبه‌روز گسترش می‌یابد و دولت سنگین شده و تحرک خود را از دست می‌دهد. به نحوی که هزینه‌های جاری آن به مراتب از هزینه‌های عمرانی و صنعتی آن بیشتر و منابع کشور که باید صرف سرمایه‌گذاری و پیشرفت کشاورزی و صنعتی شود؛ خرج پرداخت حقوق به انبوه کارمندانی می‌شود که کارایی چندانی ندارند و نبود آنها هیچ خلأئی را به وجود نمی‌آورد. اما دولت رانتی برای ادامه حیات خود و وابستگی افراد و گروه‌های سیاسی و اقتصادی به خود، این روند را ادامه می‌دهد. در نتیجه توسعه واقعی در دولت‌های رانتی به وجود نمی‌آید. به‌عنوان مثال دولت عربستان را می‌توان بزرگ‌ترین دولت رانتی جهان دانست که از نظر صنعتی و اقتصادی هیچ اقتصاددانی عربستان را مثلاً در مقایسه با ژاپن توسعه یافته نمی‌داند.

اما چنانچه اشاره شد نکته تمرکز این مقاله بر «روحیه رانت‌جویی افراد» است که در یک جامعه هم در سطح نخبگان حاکم و هم فعالان اقتصادی به‌وجود می‌آید. حاکمیت یک دولت رانتی در هر کشور به حاکم شدن روحیه رانتی^۱ در ملت آن کشور منجر می‌شود، از آن‌جا که در یک اقتصاد مبتنی بر رانت ثروتمند شدن افراد نه به دلیل تلاش و فعالیت اقتصادی آنها، بلکه در اثر شانس و تصادف صورت می‌گیرد، با ایجاد و گسترش روحیه رانتی و فراگیر شدن فعالیت‌های فرصت‌طلبانه روحیه کار و تلاش در جامعه از بین می‌رود (حاجی‌یوسفی، ۱۳۴۷: ۳۲). در این رفتار اقتصادی، افراد جامعه، گروه‌ها و شرکت‌ها، وارد یک رقابت سنگین برای به‌دست‌آوردن سهم بیشتری از رانت در حال گردش می‌شوند و لزوم کارایی فعالیت‌های تولیدی به فراموش سپرده می‌شود. خلاقیت و نوآوری که لازمه افزایش بازدهی تولید و کاهش قیمت‌های نسبی کالاها و خدمات و ارائه محصولات جدید با کیفیت بالاتر در هر جامعه است؛ اما در یک اقتصاد رانتی نظام انگیزشی لازم، برای بروز خلاقیت و نوآوری، فرو می‌ریزد و تولیدکنندگان منزوی شده و رغبتی به مشارکت در فعالیت‌های تولیدی را از خود نشان نمی‌دهند (همدمی، ۱۳۸۳: ۵۷). در این حالت کارآفرینان واقعی عرصه را به نفع رانت‌جویان و وابستگان مقامات سیاسی خالی می‌کنند و راه بر رشد و تکامل براساس قابلیت‌ها و شایستگی‌ها بسته می‌شود در نتیجه استعدادها به سمت درآمدهای سهل‌الوصول گرایش پیدا می‌کند و توسعه و پیشرفت فناوری مختل می‌شود؛ بهره‌وری کاهش می‌یابد و با

پرداختن به کارهایی که بازده شخصی دارند کارهایی که بازدهی عمومی و اجتماعی دارند متوقف می‌شوند و سرانجام این که منافع کل جامعه تحت‌الشعاع منافع طبقه‌ای خاص قرار می‌گیرد.

۲-۳. شاخصه‌های سیاسی دولت رانتی

دولت رانتی از بعد اقتصادی از جامعه استقلال پیدا می‌کند و یک قرار داد نانوشته و ضمنی به وجود می‌آید که در آن دولت نمایندگی جامعه و پاسخگویی را ندارد؛ در مقابل جامعه نیز مالیات نمی‌دهد و علاوه بر آن از بعد اقتصادی نتیجه‌ی وحشتناکی برای جامعه دارد و آن وابستگی دائمی دولت و جامعه به خارج از کشور است، که براساس آن ماده‌ای که رانت دولت بر آن استوار است مثل نفت، گاز و یا هر محصول دیگر تنها درآمد کشور است و بخش‌های دیگر اقتصاد عقب‌مانده شده و وابسته به درآمد رانتی می‌شوند و روحیه خودباوری و تولید و از بین می‌رود؛ استعدادهای در این زمینه نهفته مانده و ده‌ها پیامد دیگر؛ اما همه ماجرا این نیست. می‌توان از لحاظ سیاسی هم شاخصه‌هایی را برای دولت‌های رانتی در نظر گرفت. صاحب‌نظران بر این باورند، که یک رابطه‌ی معناداری میان «تحصیل‌دار» بودن دولت‌ها و ماهیت غیردمکراتیک آنها وجود دارد (ازغندی، ۱۳۷۸: ۴۰). به نوشته‌ی «لوسیانی» کشوری که به درآمد حاصل از فروش منابع زیرزمینی مانند نفت به سایر کشورهای جهان متکی است، ممکن است مبارزه قدرت و جناح‌گرایی را تجربه کرده باشد ولی بعید است خواسته‌هایی در حمایت از دموکراسی را پذیرا باشد (لوسیانی، ۱۳۷۴: ۴۲۶). از سوی دیگر، دولت رانتی وابستگی سیاسی به خارج از کشور نیز پیدا می‌کند؛ زیرا دولت رانتی، چون تخصصی در تولیدات مورد نیاز جامعه را - جز یک محصول - ندارد اقدام به واردات انبوه کالاهای مورد نیاز کشور از جمله کالاهای لوکس و مصرفی و مواد غذایی می‌کند و لذا بر وابستگی آن، به خارج افزوده می‌شود واردات کالاهای ارزان خارجی، ضربه‌ای اساسی بر فعالیت‌های تولیدی داخلی است. در نتیجه دولت رانتی، در تلاش برای گسترش تولیدات داخلی و کاهش وابستگی به خارج به سیاست «جایگزینی واردات» رو می‌آورد و این حمایت از صنایع و بخش‌های تولیدی داخلی به ایجاد صنایعی منجر می‌شود که فاقد کارایی لازم بوده و قابلیت رقابت در بازارهای جهانی را ندارند (همدمی، ۱۳۸۳: ۵۶). از معایب دیگر رانت‌خواری تنظیم قراردادهایی است که برخلاف منافع ملی با شرکت‌ها یا دولت‌های خارجی منعقد می‌شود و نتیجه آن سلطه‌ی سیاسی کشورهای خارجی بر جامعه است. در این جامعه وابسته، رانت‌خواران جهت عدم پرداخت مالیات سعی می‌کنند خود را هرچه بیشتر به دولت‌های خارجی نزدیک کنند و منافع آنها را بر منافع ملی کشور، ترجیح می‌دهند کاهش امنیت اقتصادی و عدم سرمایه‌گذاری و کاهش استقلال ملی از پیامدهای دیگر دولت رانتی است. بازماندن نیروهای فعال جامعه از تولید، کاهش انگیزه تولید، رشد بیکاری، رکود تکنولوژی، گرایش سرمایه‌ها به فعالیت‌های واسطه‌ای، کاهش بهره‌وری، مصرف‌گرایی، افزایش تورم، زوال وجدان کاری، دوقطبی شدن جامعه، توزیع ناعادلانه ثروت، توسعه فقر و فساد گسترده و در نهایت فروپاشی نظام سیاسی از پیامدها و نتایج دولت رانتی است. بدیهی است اگر بحث دولت رانتی به شکلی که گفته شد در نهج‌البلاغه نیامده است؛ اما نتایجی که یک دولت رانتی به بار می‌آورد یعنی روحیه رانت‌جویی و آثار آن، منحصر در زمان و مکان خاصی نیست،

مثل مثل مصرف‌گرایی، تنبلی و تن‌آسایی، دلالی و عدم توجه به تولید، ویژه‌خواری، سوءاستفاده از قدرت سیاسی، اقتصادی و اطلاعاتی، فامیل‌بازی و قبیله‌گرایی همه در نهج‌البلاغه مورد توجه قرار گرفته و نکوهش شده‌اند. از این‌رو در بخش پسین، به عرصه‌های رانت خواری از دید نهج‌البلاغه می‌پردازیم.

۴. عرصه‌های رانت‌خواری از دید نهج‌البلاغه

رانت‌خواری دردل یک دولت و حکومت و جامعه در هر عصری رخ می‌دهد. اگر رانت‌خواری را مصداق سوء‌برداشت از قدرت سیاسی و موقعیت اجتماعی بدانیم؛ خلفای ناحق به‌خصوص امویان و عباسیان بزرگ‌ترین رانت‌خواران تاریخند. مبارزه امام(ع) با این نوع رانت‌خواری در حکومت خودش و به‌عنوان امام و راهنما برای همه اعصار قابل استناد است. همان‌گونه که پدیده رانت‌خواری امروزه نیز معضل جامعه است. رانت‌خواران افراد محدودی هستند که با توسل به ابزارهایی که دیگران بدان دسترسی ندارند؛ مانند دسترسی به قدرت سیاسی، وابستگی به افراد صاحب نفوذ، دسترسی به مجوزهای خاص و منابع مالی کلان بانک‌ها، در اختیار داشتن برخی اطلاعات، استفاده از تسهیلات بخش دولتی به نفع افراد حقیقی و شرکت‌های خصوصی و ...، برای کسب منافع گسترده تلاش می‌کنند و تمام توان خود را برای حفظ و گسترش ثروت‌های آنچنانی به کار می‌بندند. این عمل نوعی اشرافیت اقتصادی ایجاد می‌کند که پیامد آن ناهمگونی اقتصادی و بیکاری در سطح وسیع است؛ بنابراین استفاده نابه‌جا از موقعیت‌های اجتماعی چیزی نیست که با بحث دولتی به‌وجود آمده باشد. این موارد که اکنون با واژه رانت‌خواری شناخته می‌شود مبارزه با این نمادها ثروت و قدرت و ویژه‌خواری‌ها در سخنان و رفتار سیاسی امام علی(ع) بسیار پررنگ به چشم می‌خورد. در تقسیم اولیه، رانت‌ها به انواع گوناگونی تقسیم می‌شوند که مهم‌ترین آنها عبارتند از: رانت سیاسی، رانت اقتصادی، رانت اطلاعاتی رانت قضایی و موارد دیگر؛ اما نماد و عرصه‌ی همه رانت‌ها در حوزه سیاسی و اقتصادی ظاهر می‌شوند از این‌رو مبحث را تحت دو عنوان کلی رانت سیاسی و اقتصادی بررسی می‌کنیم.

۴-۱-۱. نهج‌البلاغه و نفی رانت‌خواری در عرصه‌ی سیاسی

گفته شد دولت‌های رانتی از بعد سیاسی دارای ویژگی‌های خاص خود می‌باشند یکی از این ویژگی‌ها استقلال از جامعه و پاسخگوی ملت نبودن و از سوی دیگر دیکتاتوری و عدم گردش نخبگان و عدم مشارکت سیاسی است. به‌عبارت بهتر، استبداد و خودرأیی ویژگی مهم رانت‌جویان است. در نهج‌البلاغه امام علی(ع) تأکید فراوانی در خصوص مسئول بودن حکومت در برابر ملت دارند که در ذیل به آن اشاره می‌شود.

۴-۱-۱-۱. پاسخگو بودن دولت در نهج‌البلاغه

یکی از نتایج منفی دولت رانتی عدم شفافیت اقتصادی و سیاسی و عدم توجه به خواست مردم است. نماد پاسخگویی سیاسی، عدالت است. امام علی(ع) عدالت را شرط ضروری استواری روابط مردم و حاکمیت و آهنگ روبه پیشرفت جامعه می‌داند و در این زمینه به فرمانروایان و فرمانبران می‌فرماید: اما بعد، همانا

خدا بر شما برای من حقی قرار داد، چون حکمرانی شما را به عهده‌ام نهاد، و شما را نیز حق است بر من، همانند حق من که برگردن است و ضمن تأکید بر حقوق ملت و حقوق متقابل حکومت بر زدودن فرهنگ چاپلوسی نیز اصرار دارد و می‌فرماید: مرا به نیکی مستایید تا از عهده حقوقی که مانده است برآیم واجب‌ها که برگردنم باقی است ادا نمایم (خطبه ۲۰۷). این سخنان به‌درستی در راستای پاسخگو بودن زمامدار و حکومت در نگاه امام علی(ع) است و در جای دیگر به عبدالله پسرعباس، فرماندار خود در بصره توصیه می‌کند: دل مردمان را با نیکویی روشن ساز، و گره بیم را از دل آنان باز کن (نهج‌البلاغه، نامه‌ی ۱۸). یعنی این که رابطه حاکم و مردم باید به گونه‌ای باشد که مردم هیچ‌گونه ترسی در دل خود از حکومت احساس نکنند. در نامه‌ای دیگر حتی بر حقوق اقلیت‌های غیرمسلمان تأکید دارد و می‌گوید: دهقانان شهر تو شکایت دارند که با آنان درشتی می‌کنی و سختی روا می‌داری. ستمشان می‌ورزی و خردشان می‌شماری. من در کارشان نگرستم، دیدم چون مشرکند نتوانشان به خود نزدیک گرداند و چون در پناه اسلامند نشاید آنان را راند. پس، در کار آنان درشتی و نرمی را به هم آمیز گاه مهربان باش و گاه تیز، زمانی نزدیکشان آور و زمانی دورتر (نامه‌ی ۱۹). یکی از ویژگی‌های امام علی(ع) در راستای پاسخگو بودن حکومت پیشگیری از اقدامات خشونت‌آمیز فرماندارانش نسبت به مردم است در نامه‌ای به زیاد ابن‌ابیه که نایب فرماندار بصره و حاکم اهواز و فارس و کرمان محسوب می‌شد می‌فرماید: و همانا من به خدا سوگند می‌خورم، سوگندی راست. اگر مرا خبر رسد که تو در فیء مسلمانان اندک یا بسیار خیانت کرده‌ای، چنان بر تو سخت گیرم که اندک مال مانی و درمانده به هزینه عیال، و خوار و پریشان حال (نهج‌البلاغه، نامه‌ی ۲۰). در راستای همین پیشگیری از وقوع خشونت نسبت مردم به محمد پسر ابوبکر، که به او حکومت مصر را داده بود توصیه می‌کند. با آنان (مردم) فروتن باش و نرم‌خو، و هموار و گشاده‌رو و به یک چشم بنگر به همگان، خواه به گوشه چشم نگری و خواه خیره شوی به آنان، تا بزرگان در تو طمع ستم بر ناتوانان نبندند و ناتوانان، از عدالتت مأیوس نگردند (نهج‌البلاغه، نامه‌ی ۲۷). خلاصه اینکه امام در جای جای زندگی سیاسی خود بر پاسخگو بودن حکومت در برابر مردم تأکید دارد و عملاً به آن اقدام کرده و بارها دیده شده که عاملان خود را در صورت تخلف بازخواست و توبیخ می‌کند. در دولت‌های و جوامع مبتنی بر رانت، عدم پاسخگویی یک اصل است و دولت رانتی اصولاً خود را پاسخگوی مردم جامعه نمی‌داند. ممکن است این سؤال پیش آید که در دولت‌های دموکرات پاسخگویی دولت از اصول پذیرفته شده است. پاسخ این است که در این نوشتار بحث دولت رانتی است که با ویژگی‌های خود در عصر مدرن مورد بررسی است اگر بخواهیم حکومت‌های دموکراتیک را با نهج‌البلاغه مقایسه کنیم طبیعی است که شاخص‌های دیگری و مطالعه جداگانه‌ای لازم است. سخن این مقاله این است که اصول رانت‌خواری خیلی پیشتر از اینکه در دولت‌های دموکراتیک نقد شود در سخنان امام نه تنها نقد شده بلکه در راستای زدودن آن عمل شده در حالی که دولت‌های دموکراتیک کنونی اصولاً وجود نداشتند.

۲-۱-۴. نهج البلاغه و گردش نخبگان و مشارکت سیاسی

حاکمان رانت‌جو، اعتقادی به گردش نخبگان ندارند بلکه اصولاً توان رانتی خود را در راه تقویت استبداد سیاسی به کار می‌برند. در اندیشه سیاسی اسلام فی‌نفسه مشارکت مردمی و گردش نخبگان، که دمکراسی‌های امروزی فراوان بر آن تأکید می‌کنند به‌عنوان یک وظیفه شرعی در درجه‌ی اول وجود دارد. زیرا امری بدیهی است که نمایندگان منتخب و فعالان سیاسی برای جلب نظر مردم ناچارند خود را با امکان‌ها و دگرگونی‌های زندگی سیاسی هماهنگ کنند (ابوالحمد، ۱۳۸۲: ۲۴۴). چه دینی باشند و چه غیردینی. این خصیصه یعنی تأکید بر گردش نخبگان و رضایت مردم در حکومت، در نهج البلاغه بسیار تأکید شده است و همواره امام علی(ع) دولت خود را موظف می‌دانسته است که رضایت مردمی را داشته باشد (نهج البلاغه، خطبه‌ی ۹۱). توجه حضرت به نقش مردم در اعمال حاکمیت و از جمله مشروعیت سیاسی ریشه در ملاحظه ماهیت و سرشت زندگی و اجتماعی بشر دارد. از سویی تحقق و تداوم نظم اجتماعی منوط به پذیرش و رضایت حکومت‌شوندگان است و از سوی دیگر لزوم کنترل و جلوگیری از به‌کارگیری غیرمشروع قدرت، مستلزم مشارکت گسترده مردم، شکل‌گیری روابط مبتنی بر حقوق متقابل، مسؤولیت‌پذیری تمام افراد جامعه و پاسخگو بودن حاکم و رهبران جامعه است. طرح منبع الهی و شرعی سیاست به مفهوم نادیده انگاشتن حقوق مردم و تفویض اختیارات مطلق به حاکمان در جامعه نیست. مسؤولیت در برابر خداوند، در منطق دینی، موجب سلب مسؤولیت رهبر در مقابل مردم و همین‌طور مستلزم سلب حقوق سیاسی- اجتماعی از انسان‌ها نیست. در واقع دین پشتوانه لازم و ضروری انتظام اجتماعی است. این فهم با اهداف و آرمان‌های دین و بعثت انبیا نیز سازگار است. دین برای رهایی، آزادی، حفظ و به‌سامان نمودن امور دنیوی و عقلمانی نمودن مناسبات اجتماعی، برقراری عدالت و حفظ کرامت آدمی آمده است نه برای «بردگی» و «اسارت اجتماعی و فردی» چنانچه حضرت می‌فرماید: *إن الله تبارک و تعالی بعث محمداً بالحق لیخرج عباده عن عباده الی عباده و من عهد عباده الی هوده و من طاعه عباده الی طاعته و من ولایه عباده الی ولایته* (کلینی، جلد ۲، بی‌تا: ۳۷۵). بنابراین اصل خطا‌پذیری حکومت و نخبگان سیاسی- لزوم پدرش و تقویت روحیه نقد از سوی جامعه و استقبال نظام سیاسی از آن و همچنین تأکید بر امر مشورت در تدبیر امور را ضروری می‌سازد (نهج البلاغه، خطبه‌ی ۲۱۶ و نامه‌ی ۵۳). از طرفی دیگر اصل قبول و تأیید حقوق متقابل دولت و مردم و آنکه تدبیر نظم اجتماعی منوط به همکاری و تعاون سیاسی است (همان). قاعده بیان حقایق تلخ و نصیحت که مستلزم نفی ستایش و تمجید از صاحبان قدرت است و به‌علاوه وجود آزادی بیان و لزوم تحقق بسترهای مناسب برای شکوفایی آن امر به معروف و نهی از منکر و حتی مخالفت. اصل مسؤولیت‌پذیری، بازخواست، استیضاح و حتی عزل و نصب رهبران توسط مردم (نامه‌ی ۴۰ و ۴۱). از اصولی است که امام در راستای پاسخگو بودن حکومت اعمال می‌نمود.

۳-۱-۴. انتخاب رهبران و حکمرانان جامعه

در اندیشه سیاسی اسلام و اعتقادات تشیع، امامت منصبی الهی است که مردم در شکل‌گیری آن مثل مقام نبوت نقشی ندارند؛ اما بدیهی است که مقام امامت هر گاه که مورد پذیرش مردم قرار گیرد از حالت

اعتقادی و فردی به عینی و اجتماعی در می‌آید. از این‌رو امام، ضمن مفروض دانستن این نکته بر نقش و رضایت مردم در شکل‌گیری و تداوم حکومت تأکید دارد. بنابراین، روزی که عثمان کشته شد و مردم رو به سوی حضرت نهادند؛ خطاب به آنان فرمود: ای مردم! این امر حکومت از آن شماست، هیچ کس جز کسی که شما او را امیر خود گردانید، حق امارت بر شما را ندارد (خسروی، ۱۳۸۶ www.imamalinet.net). امام وقتی با ابرام و اصرار مردم حجت را بر خود تمام یافته دید، با قبول امر خلافت، خطاب به اجتماع‌کنندگان فرمود: به خدایی که دانه را شکافت و جان را آفرید، اگر این بیعت‌کنندگان نبودند و یاران، حجت بر من تمام نمی‌نمودند و خدا علما را نفرموده بود تا ستمکار شکمباره را برنتابند و به یاری گرسنگان ستمدیده بشتابند، رشته این کار از دست می‌گذاشتم و پایانش را چون آغاز می‌انگاشتم (نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۳). نکته‌ی قابل توجه در بیعت «آزادی و اختیار» است. بیعت‌کنندگان با حضرت نیز در روز بیعت از آزادی کامل انتخاب یا عدم انتخاب برخوردار بودند، می‌توانستند علی(ع) را برگزینند یا شخص دیگر را. حضرت در این خصوص می‌فرماید: مردم با من بیعت کردند نه برای آنکه دست قدرت من گشاده بود یا مالی‌آماده (همان، نامه‌ی ۵۴). مردم در فضای آزاد و بدون هیچ اجبار و تحمیلی داوطلب بیعت با من شدند (معادیخواه، ۱۳۷۲: ۶۱). از مباحث گذشته مقولات ذیل قابل استنتاج‌اند: حضرت علی حق تعیین سرنوشت سیاسی و انتخاب رهبران سیاسی را به مردم واگذار می‌کند و از این‌رو یکی از جلوه‌های مشارکت و مشروعیت‌بخشی در نظام سیاسی به پذیرش مردم بستگی دارد که به صورت فهرست‌وار در چند بند قابل دسته‌بندی است.

۱. اداره‌ی امور جامعه سیاسی، بسیار پیچیده و نیازمند همکاری و کنش متقابل فرمانروا و فرمانبر است.
۲. فرمانروایان و رهبران سیاسی نیازمند مشاوره و نصیحت‌اند و از اشتباه مصونیت نیستند.
۳. عامه‌ی مردم نیز در هر مرتبه و پایگاه اجتماعی، صلاحیت و حق نظارت و نقد حوزه‌ی سیاست و عملکرد فرمانروایان زیرا اصولاً آنان کار فرمای سیاست و حاکمان کارگزار آنانند.

۵. نقد همیشه منفی نیست بلکه متضمن پویایی و کارایی و اصلاح نظام سیاسی است

۵-۱. حکومت مساوی با مسئولیت، نه فرصت شخصی

نگاه فرصت‌طلبانه به فرصت‌های سیاسی و مدیریتی چیزی است که تقریباً در همه مکاتب بشری وجود دارد. تبریک گفتن به کسی که که موقعیت سیاسی و مدیریتی کسب می‌کند، الزاماً نشانه تبریک صلاحیت او برای آن موقعیت نیست بلکه در اذهان عمومی همانند فرصتی بی‌بدیل جلوه می‌کند که برای شخص به‌وجودآمده است. درحالی که اگر مدیریت با زحمت بیشتر بدون امتیاز و ویژه‌خواری و با ایثار بیشتر در پست سیاسی مساوی باشد، به نظر می‌رسد جای تسلیت گفتن دارد نه تبریک! تسلیت یعنی آرزوی توان بیشتر و صبر بیشتر بر سختی‌های خدمت بی‌منت و بدون امتیاز خاص و توأم با مسئولیت برای مردم چنین نگرشی را به مقام و پست شاید فقط در اندیشه امام علی(ع) بتوان دید و گونه در مردمی‌ترین حکومت‌ها رهبران، مدیریت را در درجه‌ی اول، فرصتی شخصی می‌دانند که باید در طول

مسئولیت بیشترین بهره را از آن ببرند. امام علی(ع) در نکوهش فرصت‌طلبی و رانت‌خواری سیاسی خلفا در خطبه‌ای می‌گوید: اما یکی از کینه‌راهی‌گزیده و دیگری داماد خود را بهتر دید، و این دوخت و آن برید، تا سومین به مقصود رسید و همچون چارپا بتاخت، و خود را در کشتزار مسلمانان انداخت، و پیاپی دو پهلو را آکنده کرد و تهی ساخت. خویشاوندانش با او ایستادند، و بیت‌المال را خوردند و بر باد دادند (نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۳). چون شتر که مهار بُرد، و گیاه بهاران چَرَد گویا هرگز کلام پروردگار را نشنیدند- یا شنیدند و به‌کار نیستند- که فرماید: «سرای آن جهان از آن کسانی است که برتری نمی‌جویند و راه تبه‌کاری نمی‌پویند، و پایان کار، ویژه پرهیزگاران است» آری به خدا دانستند، لیکن دنیا در دیده آنان زیبا بود، و زیور آن در چشم‌هایشان خوشنما (نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۳). جای‌جای نهج‌البلاغه تأکید بر این است که نگاه به حکومت نباید فرصت‌طلبانه باشد و اگر حکومت گرهی از کار مردم نگشاید هیچ ارزشی ندارد. عبدالله پسر عباس گوید: در «ذوقار» نزد امیرالمؤمنین علیه‌السلام رفتم و او نعلین خود را پینه می‌زد. پرسید «بهای این نعلین چند است» گفتم بهایی ندارد فرمود: «به خدا این را از حکومت شما دوست‌تر دارم مگر آنکه حقّی را بر پا سازم یا باطلی را براندازم» (نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۵). امام در نکوهش بیعت‌شکنان باز بر بی‌نیازی خود و لزوم خدمت تأکید دارد: به خدا، که مرا به خلافت رغبتی نبود و به حکومت حاجتی نه، لیکن شما مرا بدان واداشتید و آن وظیفه را به عهده‌ام گذاشتید (نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۱۹۶). از سخنان آن حضرت است درباره‌ی آنچه عثمان تبول بعضی کرده بود، و امام آن را به مسلمانان بازگرداند به خدا، اگر بینم که به مهرزنان یا بهای کنیزکان رفته باشد، آن را باز می‌گردانم که در عدالت گشایش است و آنکه عدالت را برنتابد، ستم را سخت‌تر یابد (نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۱۵). ویژگی بارز امام این است که نه صرفاً در قامت یک فیلسوف ظاهر شود که فقط به توصیه‌های آرمانی غیر دست‌یافتنی بسنده کند بلکه هر توصیه‌ای را ابتدا خود عملی می‌کند، هنگامی که خبر حیف و میل اموال عمومی را توسط یکی از عاملان خود شنید طی نامه‌ای و با لحن توبیخ‌گونه می‌فرماید: از تو به من خبری رسیده است، اگر چنان کرده باشی پروردگار خود را به خشم آورده باشی، و امام خویش را نافرمانی کرده، و امانت خود را از دست داده. به من خبر داده‌اند تو کشت زمین را برداشته و آنچه پایت بدان رسیده برای خود نگاهداشته‌ای و آنچه در دستت بوده خورده‌ای. حساب خود را به من باز پس بده و بدان که حساب خدا بزرگ‌تر از حساب مردمان است (نهج‌البلاغه، نامه‌ی ۴۰) و در همین راستا، از نامه آن حضرت است به یکی از عاملان خود که خبر اختلاس او را شنید: پس از خداییم دار و مال‌های این مردم را باز سپار و اگر نکنی و خدا مرا یاری دهد تا بر تو دست یابم کیفریت دهم که نزد خدا عذرخواه من گردد، و به شمشیریت بزنم که کس را بدان نزد من جز که به آتش درآمد. به خدا اگر حسن و حسین چنان کردند که تو کردی از من روی خوش ندیدندی و به آرزویی نرسیدندی، تا آنکه حق را از آنان بستانم و باطلی را که به ستمشان پدید شده نابود گردانم، و سوگند می‌خورم به پروردگار جهانیان که آنچه تو بردی از مال مسلمانان، اگر مرا روا بود، شادم نمی‌نمود که به دستش آرم و برای پس از خود به میراث بگذارم (نهج‌البلاغه، نامه‌ی ۴۱). از نامه‌های معروف امام که در واقع می‌توان آن را منشور حکومت داری برای همه اعصار دانست فرمانی است که

خطاب به مالک اشتر نخعی که قرار بود حکومت مصر را متصدی شود. -گرچه مالک به مصر نرسید- اما متن فرمان امام سمرشقی برای بشریت است. در بخش‌هایی از این نامه می‌خوانیم: مهربانی بر رعیت را برای دل خود پوششی گردان و دوستی ورزیدن با آنان را و مهربانی کردن با همگان، و مباحش همچون جانوری شکاری که خوردنشان را غنیمت شماری چه، رعیت دو دسته‌اند: دسته‌ای برادر دینی تواند، و دسته‌ی دیگر در آفرینش با تو همانند؛ بر بخشش پشیمان مشو و بر کیفر شادی مکن، و به خشمی که توانی خود را از آن برهانی مشتاب، و مگو مرا گمارده‌اند و من می‌فرمایم، و اطاعت امر را می‌پایم. به پارسایان و راستگویان پیبوند، و آنان را چنان پیرو که تو را فراوان نستانند، و با ستودن کار بیهوده‌ای که نکرده‌ای خاطرت را شاد نمایند، که ستودن فراوان خودپسندی آرد، و به سرکشی وادارد (نهج البلاغه، نامه‌ی ۵۳). همچنین نامه آن حضرت است به فرماندار خود در مکه، که به ایشان هشدار می‌دهد در برخورد با ارباب رجوع چگونه رفتار کند. جز زبانت پیام رسان مردمان نباشد، و جز رویت دربان و هیچ حاجتمند را از دیدار خود محروم مگردان، چه اگر در آغاز از درگاه تو رانده شود و در پایان حاجت او برآورده، تو را نستانند (نهج البلاغه، نامه‌ی ۶۷)

۲-۵. عرصه‌ی اقتصادی

یکی از عرصه‌های مهم رانت حوزه اقتصاد است حتی می‌توان گفت رانت‌های سیاسی فرهنگی اطلاعاتی همه به نوعی به اقتصاد منتهی می‌شود از سوی دیگر اسلام به اقتصاد کلان به معنای جریان مالی و ثروت‌ها در سطح جامعه به چشم یکی از ارکان سلامت و بقاء جامعه و سعادت مردم- در صورت سلامت اقتصاد- و یکی از عوامل سقوط و نابودی جامعه و مردم آن، در صورت ناسالمی اقتصاد می‌نگرد. از این رو، با وجود آنکه تغییرات اقتصاد در واقع تابع فرهنگ و تفکر انسان است در اسلام- برخلاف کمونیسم- اقتصاد زیربنای جامعه نیست ولی در عین حال، یکی از عوامل مؤثر در صلاح و فساد و بقاء و یا فنای جامعه می‌باشد و نظارت و مدیریت دقیق آن در حکومت یکی از نکات مهم در هر حکومت است. به همین سبب در نگاه هوشمندانه و الهی امیرالمؤمنین (ع) اقتصاد یکی از محورهای مهم مدیریت جامعه و ولایت و حکومت است و از این رو آن حضرت با حکمت و با ظرافت تمام به آن پرداخته و همیشه به استانداران خود نیز آن را توصیه می‌کرده است. در نهج البلاغه از یک طرف از فقر به بدی یاد کرده و مردم را به کاروکسب درآمد و حتی توسعه درآمد دعوت نموده از سویی ویژه‌خواری را نفی کرده و به ترویج تولید و فرهنگ کار تأکید می‌کند که در ذیل به برخی از این موارد اشاره می‌کنیم.

۳-۵. توجه به درآمدهای عمومی و مالیات دولتی

یکی از شاخصه‌های دولت‌های رانتی «حامی‌پروری» از بین اقشار جامعه است، نه این که در فکر پیشرفت و رفاه کلی کشور باشد، حامی‌پروری با بذل و بخشش اموال عمومی انجام می‌گیرد. چیزی که حکومت رقیب امام (معاویه) به شدت در حال انجام آن بود؛ اما امام علی (ع) توجه ویژه‌ای به عمران و آبادانی و افزایش درآمد جامعه برای همه جامعه دارد بدون اینکه گروهی را بر گروهی دیگر برتری دهد؛ حتی دشمنان اما از حقوق اجتماعی خود محروم نمی‌کرد. از نظر امام علی (ع) درآمد مردم از جهت اقتصادی

ذخیره خزانه دولت به حساب می‌آید، ثانیاً، رابطه عدالت‌گونه مردم با حکومت مستحکم‌تر می‌گردد، و مردم بهتر اعتماد می‌کنند توجه امام به اموال عمومی به حدی است که نزدیک‌ترین شیعیان خود را اگر خواسته افزون خواهانه‌ای داشتند رد می‌کرد هنگامی که عبدالله بن زمره - که یکی از شیعیان او بود - در خلافت امام نزد او آمد و چیزی از بیت‌المال بیش از سهم خود خواست امام(ع) فرمود: این مال، نه از آن من است و نه از آن تو. بلکه فیء است، و از آن همه مسلمانان (نهج البلاغه، خطبه‌ی ۲۲۳). از این رو حامی‌پروری در منش سیاسی امام علی(ع) جایی نداشت حتی اگر نزدیک‌ترین یاران یا حتی برادر نسبی ایشان بود این مسأله در تاریخ بشریت و حاکمان سیاسی بی‌نظیر است.

۴-۵. نفی ویژه‌خواری حاکمان و آقازاده‌ها

یکی از وجوه رانت‌جویی استفاده نابجا از مناصب عمومی است. وابستگی فامیلی به افراد صاحب مقام و برخورداری از موقعیت‌های ویژه در جوامع رانتهی حتی غیررانتی رایج است. در اوایل حکومت امام ایشان اقدام به لغو همه امتیازاتی نمود که عثمان به دیگران داده بود و همه‌ی آنها را به خزانه‌ی عمومی مسلمانان بازگرداند. امام(ع) در یکی از نامه‌های خود نکته مهمی را تذکر داده که نشان می‌دهد چرا ایشان تا این اندازه در خصوص زندگی شخصی والیان و فرمانداران حساس بوده‌اند. امام می‌فرماید اگر والی و فرماندار به دنبال هواهای نفسانی و خواسته‌های شخصی خود باشد، این کار او را از اجرای عدالت در بسیاری مواقع دور نگاه می‌دارد (نهج البلاغه، نامه‌ی ۵۹) و در جای دیگری به فرماندارش چنین توصیه می‌کند: سعی کن تا بهترین کارها در نزد تو آن اموری باشد که به حق نزدیک‌تر و از نظر عدالت، عمومیت و شمول بیشتری داشته باشد (نهج البلاغه، نامه‌ی ۵۳). بهترین کارها آن کاری است که عدالت را در مورد افراد بیشتری به اجرا درآورده و عده‌ی بیشتری را به حق خود برساند. ایشان در جایی نیز در خصوص ضعفاء و فقرا و افراد طبقه پایین که معمولاً به چشم نمی‌آیند و مورد تحقیر قرار می‌گیرند سفارشات اکیدی نموده و می‌فرماید: بدان که این ضعفاء و فقرا از تمامی اقشار دیگر جامعه به اجرای عدالت محتاج‌ترند. اینان جز خدا و تو کسی راندارند که حامی آنان باشد. بزرگان و اشراف طبقات بالا همواره کسانی را دارند که با توسل به آنها به سهولت به خواسته‌های خود رسیده، کارهایشان به انجام شده و مشکلاتشان برطرف گردد. اما طبقات پایین و ضعفاء و فقرا معمولاً مورد بی‌اهمیتی و بی‌مهری قرار گرفته و کسی در حل مشکلاتشان سعی و تلاش نمی‌کند. پس بخش مهمی از برنامه‌های عدالت‌محوری خود را متوجه این گروه بنما و نسبت به حل مشکلاتشان بسیار رسیدگی کن (نهج البلاغه، نامه‌ی ۵۳) ایشان در اینجا یکی از پایه‌های سیاست حکومت اسلامی را بیان فرموده‌اند، در تفکر اسلامی، ملاک عمل حاکم نباید جلب رضایت خواص و حفظ حکومت به هر قیمت باشد. ملاک عمل حاکم باید اجرای عدالت و برهم زدن بساط ظلم و بی‌عدالتی در جامعه باشد. از نامه‌ی آن حضرت است به اشعث‌پسر قیس فرماندار آذربایجان: کاری که به عهده توست نانخورش تو نیست بلکه بر گردنت امانتی است. آن که تو را بدان کار گمارده، نگهبانی امانت را به عهده‌ات گذارده. تو را نرسد که آنچه خواهی به رعیت فرمایی، و بی‌دستوری به کاری دشوار در آیی. در دست تو مالی از مال‌های خداست عزوجل، و تو آن را خزانه داری (نهج البلاغه،

نامه‌ی ۵) برخی بر مساوی بخشیدن بیت‌المال و یکسان نگرستن همه افراد بر او خرده گرفتند پاسخ امام بسیار قاطع و آموزنده است و می‌فرماید: مرا فرمان می‌دهید تا پیروزی را بجویم به ستم کردن درباره آن که والی اویم به خدا که، نپذیرم تا جهان سرآید، اگر مال از آن من بود، همگان را برابر می‌داشتم- که چنین تقسیم سزا است- تا چه رسد که مال، مال خدا است. بدانید که بخشیدن مال به کسی که مستحق آن نیست، با تبذیر و اسراف یکی است. قدر بخشنده را در دنیا بالا برد و در آخرت فرود آرد، او را در دیده مردمان گرامی کند و نزد خدا خوار گرداند. هیچ کس مال خود را آنجا که نباید نداد، و به نامستحق نبخشود، جز آنکه خدا او را از سپاس آنان محروم فرمود، و دوستیشان از آن دیگری بود. پس اگر روزی پای او لغزید، و به یاری آنان نیازمند گردید، در دیده ایشان بدترین یار است و لئیم‌ترین دوستدار (خطبه‌ی ۱۲۶).

۵-۵. ترغیب تولید و ترویج فرهنگ کار

تنبلی و تن‌آسایی فرار از کار تولیدی و روی آوردن به درآمدهای بی‌زحمت مصداق و پیامد رانت است شیوه عملی آن حضرت، اشتغال به اصل کار مفید بوده، و شکل کار برای او مطرح نبوده است، فرهنگ کار می‌طلبد که موقعیت اجتماعی افراد، کار و تلاش را این گونه طبقه‌بندی نمایند که این نوع تلاش باموقعیت او سازگاری دارد و آن نوع دیگر ناسازگار است؛ بلکه در نگرش جامعه موقعیت اجتماعی نباید نسبت به انواع کار حساسیت منفی داشته باشد. هر کار مفید و سازنده‌ای عزت و احترام اجتماعی را به دنبال داشته باشد و هیچ نوع کار سازنده‌ای با موقعیت و جایگاه اجتماعی افراد، ناسازگار تلقی نگردد. نکته‌ای که رانت جویان در توجیه اقدامات خود به آن متوسل می‌شوند همین است که کار و تولید را دون شان خود میدانند. در رابطه اقتصادی دولت با مردم دو نکته داری اهمیت است از یک‌سو دولت نسبت به تأمین امنیت و کالاهای و اموری که بخش خصوصی به دلیل دیر بازده بودن در آن وارد نمی‌شود، وظیفه دارد و بودجه آن از خزانه عمومی است که در گذشته و حال - به جز در دولت‌های رانتی- از طریق مالیات‌ها تأمین می‌شود. پس هر چه که دولت بتواند درآمد خود را افزایش دهد تا این که با قدرت هر چه بیشتر بتواند به وظایف «توزیعی» خود عمل کند و به بازتوزیع ثروت پردازد پس به مشروعیت نظام سیاسی افزوده است. از سوی دیگر دولت باید به افزایش درآمد مردم توجه ویژه‌ای نماید زیرا در این صورت است که نکته پیشین یعنی افزایش درآمد دولت از طریق مالیات تحقق خواهد یافت. به عبارت بهتر درآمد مردم و درآمد دولت لازم و ملزوم همدیگر می‌باشند. هر چه هر قدر درآمد اتباع یک کشور بیشتر باشد، به همان نسبت دولت بیشتر است و بالعکس امام علی(ع) تأکید ویژه بر این مسأله دارد: و آنچه بدان بار آنان را سبک گردانی بر تو گران نیاید، چه آن اندوخته‌ای بود که به تو بازش دهند، با آبادانی که در شهرهایت کنند و آرایشی که به ولایت‌ها دهند؛ نیز ستایش آنان را به خود کشانده‌ای و شادمانی که عدالت را میانشان گسترانده‌ای، حالی که تکیه بر فزونی قوت آنان خواهی داشت بدانچه نزدشان اندوخته‌ای. از آسایشی که برایشان اندوخته‌ای و اطمینانشان که با عدالت خود به دست آورده و مدارایی که کرده‌ای و بسا که درآینده کاری پدید آید که چون آن را به عهده آنان گذاری با خاطر خوش بپذیرند (نهج‌البلاغه، نامه‌ی ۵۳) با توجه به مفاد این

دستورالعمل اولاً درآمد مردم از جهت اقتصادی ذخیره خزانه دولت به حساب می‌آید، ثانیاً رابطه عدالت‌گونه مردم با دولت مستحکم‌تر می‌گردد و اعتماد مردم برانگیخته می‌شود. این دستورالعمل و نگاه که درآمد مردم و قدرت تولید آنها را درآمد خزانه دولت به حساب می‌آورد، در روابط اقتصادی جامعه، ساختار متناسب را می‌طلبد^۱ روایاتی که از امام علی(ع) درباره‌ی کار و تلاش نقل شده است، از جهت هنجاری بودن و ارزشی بودن مفاد آنها، بهره‌وری کار و نظم کاری، به چند دسته تقسیم می‌شود. الف- هنجاری بودن کار و ناهنجار بودن تنبلی هر چند کار و تلاش همراه با زحمت و رنج است؛ اما بیکاری پیوسته منشأ فساد و تباهی است. ب- ارزشی بودن کار: هر پدیده اعم از رفتار و کالا که در راستای نیاز انسان قرار گیرد ارزش پیدا می‌کند. امام علی(ع) در این باره می‌فرماید: انّ الأشياء لما ازدوجت از دوج الكسل و العجز فتنتجا بینهما الفقر (همان به نقل از، کلینی: ۸۶/۵). «نگاه که پدیده‌ها با یکدیگر جفت‌وجور شدند، تنبلی و ناتوانی نیز در کنار هم قرار گرفتند و فقر و تنگدستی را پدید آوردند.» در این روایت، فقر پدیده‌ای منفی و بیکاری به‌عنوان عامل و منشأ آن، ارزش ابزاری منفی پیدا می‌کند. در مقابل کار و تلاش، نقش ارزش ابزاری مثبت را ایفا می‌کند. همچنان‌که در روایت زیر کارهای مختلف، سبب و طریق معیشت تلقی شده است (همان). بنابراین در فرهنگ نهج‌البلاغه و الگوی عملی امام علی(ع) کار و تولید ارزشمند و بیکاری و تن‌آسایی و روی آوردن به امور غیرتولیدی که پیشه‌ی اصلی رانت‌جویان و رانت‌خواران است مذموم است

نتیجه‌گیری

رانت و رانتجویی و دولت رانتی مفهومی جدید و حاصل روابط اقتصادی دنیای جدید است. این مقاله در پی این بود که نشان دهد رانت و رانتجویی که به‌عنوان یک آسیب سیاسی اجتماعی اقتصادی مطرح است، صدها سال قبل، امام اول شیعیان با دقت تمام به نفی آن پرداخته و مضرات آن را یادآور شده است. از این‌رو تلاش شد ضمن بازخوانی نظریه «دولت رانتیر» و نتایج حاصله از آن برای جامعه، نظر نهج‌البلاغه در این زمینه مورد ارزیابی قرار گیرد. بنابراین با تأکید بر شناسایی عرصه‌های رانت‌خواری از دید نهج‌البلاغه مشاهده شد که این کتاب ارزشمند در دو حوزه‌ی سیاسی و اقتصادی به نفی رانت‌خواری پرداخته و آثار و نتایج منفی رانت‌خواری را قولاً و عملاً نکوهش کرده و آثار مثبت فقدان آن را در نظر و عمل به شرح زیر توصیه نموده است.

۱. لزوم پاسخگوبودن دولت: در نهج‌البلاغه امام علی(ع) عدم پاسخگویی دولت به جامعه نکوهش شده و تأکید فراوانی در خصوص مسئول بوده حکومت در برابر ملت داشته است.
۲. گردش نخبگان و عدم مشارکت سیاسی: استبداد و خود رایی که از ویژگی مهم رانت‌جویان است. امام علاوه بر آن به واقعیت اجتماعی توجه نموده و علی‌رغم اشراف بر جایگاه الهی خود به‌عنوان امام بر انتخاب

رهبران و حکمرانان جامعه و نیز در مورد خود تأکید دارد و در همین راستا حکومت را مساوی با مسئولیت، در برابر ملت و خدا دانسته است.

۳. توجه به درآمدهای عمومی: حوزه‌ی دیگری که رانت‌خواران در آن فعال می‌باشند عرصه‌ی اقتصادی است و به نوعی رانت‌های سیاسی فرهنگی اطلاعاتی همه به رانت اقتصاد منتهی می‌شود دول رانتی و حتی افراد رانتی توجهی به اموال و درآمدهای عمومی ندارند دولت‌ها به حامی‌پروری از بین اقشار طرفدار خود اقدام می‌کنند و افراد رانتی منافع آنی و شخصی خود را بر منافع ملی و عمومی ترجیح می‌دهند در سخنان و رفتار امام علی(ع) درست خلاف رانت‌جویان و ویژه‌خواران به درآمدهای عمومی و مالیات دولتی، نفی ویژه‌خواری حاکمان و آفازده‌ها تأکید شده است.

۴. ترغیب تولید و ترویج فرهنگ کار، امام(ع) تأکید نظری و عملی فراوانی بر تولید و عدم تن‌آسایی و ترویج فرهنگ کار دارد.

موارد کلی فوق در نظریه رانتیریسم از شاخصه‌های جوامع و دول رانتی دانسته شده است؛ اما با توجه به مطالبی که گذشت مشاهده می‌شود این موارد نفی رانت‌خواری و رانت‌جویی به صورت دقیق‌تر و مستدل‌تر در اندیشه‌های سیاسی امام علی(ع) آمده است پس بر ما است که به‌عنوان پیروان آن حضرت بیش از دیگران - که فقط براساس تجربه و حساب سود زیان به نتایج منفی رانت‌خواری رسیده‌اند - جامعه اسلامی را از این نقیصه مهم بیالاییم.

منابع

- ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۸۲)، *مبانی سیاست*، چاپ نهم، تهران: توسن.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۵)، *درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، تهران: قومس.
- آلوین. ی، سو (۱۳۷۸)، *تغییرات اجتماعی و توسعه*، ترجمه محمود حسینی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.
- جان فوران (۱۳۸۳)، *مقاومت شکننده*، ترجمه احمد تدین، تهران: موسسه خدمات فرهنگی، رسا.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد (۱۳۷۸)، *دولت، نفت و توسعه اقتصادی در ایران*، تهران، مرکز اسناد.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد (۱۳۷۷)، *دولت نفت و توسعه اقتصادی ایران*، تهران: مرکز اسناد.
- حسین زاده، محمدعلی (۱۳۸۶)، *گفتمان‌های حاکم بر دولت‌های بعد از انقلاب*، تهران، مرکز اسناد.
- خسروی، غلامرضا (۱۳۸۶)، *مبانی مشروعیت سیاسی از دیدگاه امام علی (ع)*، قابل دسترسی در www.imamalinet.net
- قوام، عبدالعلی (۱۳۷۹)، *چالش‌های توسعه سیاسی تهران*، تهران: قومس.
- کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق رازی (بی‌تا)، *روضة الکافی*، ترجمه‌ی هاشم رسولی محلاتی، جلد ۲، قم: انتشارات علمیه اسلامی.
- لوسیانی جیا کو (۱۳۷۴)، «بحران مالی دولت و گذار دولت به دموکراسی»، فصلنامه خاورمیانه، سال دوم، شماره ۲.
- مدیر شانه‌چی، محسن (۱۳۷۹)، *تمرکزگرایی و توسعه‌نیافتگی در ایران*، معاصر تهران: خدمات فرهنگی، رسا.
- محمدی، منوچهر (۱۳۷۳)، *سیاست خارجی، جمهوری اسلامی ایران*، تهران: نشر دادگستر.
- محمدی، منوچهر (۱۳۸۵)، *بازتاب جهانی انقلاب اسلامی*، تهران: پژوهشگاه، فرهنگ و اندیشه.
- معادیکخواه، عبدالمجید (۱۳۷۲)، *فرهنگ آفتاب*، جلد، چاپ اول، تهران: انتشارات ذره.
- همدی، ابوالفضل (۱۳۸۳)، *خطبه سراء، فساد مالی و اقتصادی*، تهران: مرکز مطالعات راهبردی.
- متن و ترجمه نهج البلاغه قابل دسترسی در <http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=1839>
- H. Beblawi and G. Luciani (ed) *the Rentier State* London croomhlm (1987) , 40-D. Pearce " the Mit Dictionary of Modern Economics " Mit Press Edition 1989.